

پونان نقاشی ایرانی

فرمهای ساده، فضایی رنگین، سافتواری غنی
■ عاطفه مجازی

«من برای توسعه دادن مغزم کار کردم،

در حالیکه کنجاویهای متفاوت روحم را نیز راضی کنم و

در حالیکه تلاش می‌کردم تا تفکر و اندیشه‌های اساتید قدیمی و مدرن

در حیطه تجسمی را بشناسم.»

هنری ماتیس



هنری ماتیس



بسیار زبردست و نقاشی بسیار ماهر که در نقاشی کردن «تروتمیز» از پیکره‌ها، استاد بود. سپس هنری ماتیس به مدرسه هنرهای زیبا (Beaux - Arts) رفت، جایی که یک نقاش پر استعدادتر و خوش قریحه‌تر از «بوگرو» وجود داشت: گوستاو مورو (GUSTAVE MOREAU)، سرود خوان نزول آخر قرن، نقاشی پر استعداد که رنگ را به شکل عالی به کار می‌گرفت و یک آموزگار و مدرس بزرگ بود.

با «مورو» بود که ماتیس به شناسائی تاریخ هنر، فهمیدن شاهکارهای هنری فرانسه و هلند در «لوور»، و خصوصاً به درک و دریافت و شناسایی خودش پرداخت. تمام آنچه که می‌بایست شخصیت هنری «ماتیس» را شکل دهند، در پناه و حمایت و هدایت گوستاو مورو وجود داشت. بنابراین در داخل آتلیه مورو بود که

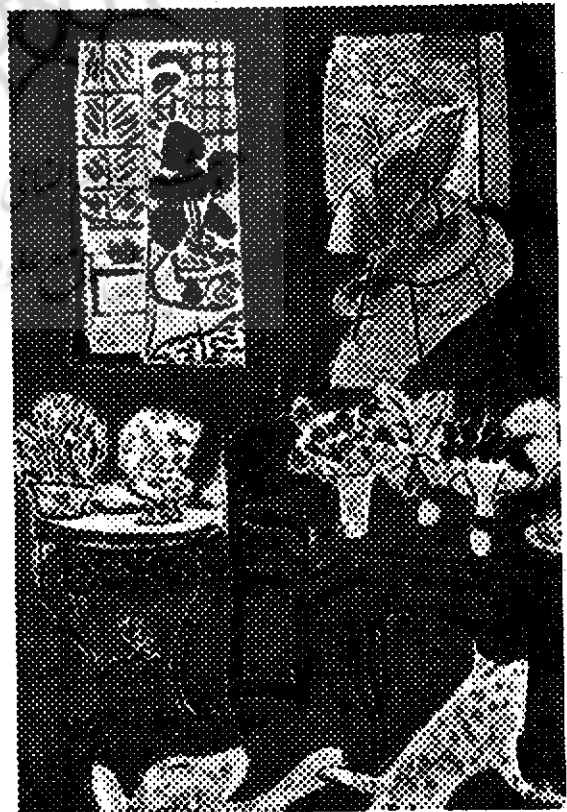
«هنری ماتیس» در ۳۱ دسامبر ۱۸۶۹ در جنوب فرانسه، در Cateau - Cambresis بدنیا آمد. والدینش از بازرگانان ثروتمند بودند که در ۱۸۸۸ شرایط تحصیل او را در پاریس، در رشته حقوق، فراهم آوردند. همه چیز همانطور که پیش بینی شده بود پیش می‌رفت تا روزی که مادرش برای اینکه او بتواند دوران نقاهت یک بیماری را سر کند به او مداد و قلم موی نقاشی داد. و این اتفاق ساده که در حوالی سال ۱۸۹۰ روی داد، برای «هنری» تولدی دوباره بود.

سال بعد، او به پاریس بازگشت در حالیکه این بار، این دانشگاه نبود که او را به خود فرا خواند. او در دانشگاه ثبت نام نکرد، در عوض، جهت فرا گرفتن فنون نقاشی به آکادمی JULIAN رفت. استادش، W.A. BOUGUEREAU، یک هنرمند آکادمیک بسیار مشهور در زمان خودش بود؛ طراحی

طول تابستانهای ۱۸۹۷-۱۸۹۶ در تعطیلات خود به «بل-ایل» (Bell - ile) کشف کرد. در آنجا، او پذیرای John Russell نقاش استرالیایی، که چند اثر از ونسان ون گوگ (که در آن زمان تقریباً هنوز ناشناخته بود) را در اختیار داشت، گردید. «روسل» دو طراحی از ون گوگ را به ماتیس هدیه نمود. روسل او را واداشت تا به سوی نور و رنگ متمایل شده، به آنها توجه بیشتری کند و به بازبینی آثار «کامیل پیسارو»ی پیر، یکی از آخرین نمایندگان بزرگ امپرسیونیسم و پُست امپرسیونیسم، بپردازد. استاد بزرگ که باعث تعیین مسیر و تشویق چهار هنرمند خلاق زمان خود (سزان، گوگن، ون گوگ و سورا) شده بود می‌توانست همچنان مورد پیروی ماتیس، مانیون و فریز (Friesz) قرار گیرد. به لطف اوست که ماتیس از علاقه وافر خود، به رنگ

ماتیس کسانی را که با آنها سرگذشت فوویسم را تقسیم کرد، ملاقات نمود: رونو (Rouault)، کامیون (Camion)، مانیون (Manguin). استاد به او این پیغام را داد: «شما نقاشی را ساده خواهید کرد، آقای ماتیس.» بود، در ۱۸۹۲-۱۸۹۳ در کلاسهای شبانه مدرسه هنرهای دکوراتیو (Ecole des Arts Decoratifs) شرکت کرد. در آنجا کسی را ملاقات کرد که به یکی از دوستان وفادار او تبدیل شد: آلبرت مارکه (Albert Marquet).

در ۱۸۹۶ در «سالن اجتماع ملی»، دولت فرانسه تابلوی «زن در حال مطالعه» او را خرید (دو سال بعد، در ۱۸۹۸ ازدواج کرد). با این همه، نقاشی او هنوز تا شکفتگی تمام که باعث شهرت او در ۱۹۰۵ شد فاصله داشت. نور، آفتاب، رنگ؛ ماتیس اینها را در





بسیار مؤثر را بکار می‌گیرد. Jean Leymaire (۱۹۶۳) می‌گوید: «با به بکارگیری تنهای رنگی تخت و زنده، سازنده فضا و نور». وقتی که «سالن پاییز» (Le Salon d'automne) گشوده شد، رنگهای زنده و برانگیزاننده ماتیس، دریان، ولامینک، فریز، وان دونجن (Van Dongen)، مارکه (Marquet)، روئو و مانیون، بیننده‌ای را که برای کشف آثاری به آرامی آکادمیک یا به ظرافت سمبولیک آمده بود تکان داد. کلام منتقد، لوئی وکسل (Lois Vauxcelles)، که فریاد زده بود «دوناتلو (Donatello) میان فووها»، بسرعت دامنگیر می‌شود. در حقیقت، او عنوانی به اولین موج بزرگی آوان گارد هنری قرن بیستم می‌دهد. فوویسم متولد شد.

رسوائی قابل توجه بود. و ماتیس، برای این تغییر مسیر هنری غیرقابل فهم، عملاً مورد نقد قرار گرفت. اما برخی، مانند «ژید» (Gide) یا موریس دنی (Maurice Denis)، اهمیت و ارزش ژست او را فهمیدند و به روشنی دیدند که آزادی رنگها، نقاشی را از

چشم پوشی کرد.

از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱، ماتیس به مطالعه ادامه داد: در آتلیه نقاشی کرییر (Carriere)، او با «آندره دریان» (Andre Derain) و جین پوی (Jean Puy) آشنا شد و نزد مجسمه سازان، بیری (Barye) و رودن (Rodin)، کار حجم سازی را فرا گرفت. در این مدت، همسرش دو پسر دیگر به دنیا آورد: Jean در ۱۸۹۹ و Pierre در ۱۹۰۰.

در ۱۹۰۱، در نمایشگاه «سالن مستقل‌ها» شرکت کرد. در آنجا بود که با پل سینساک (Paul Signac)، استاد پوانتیلیسم (Pointillisme) و موریس دو ولامینک (Maurice Vlaminck) آشنا شد. «ولامینک» با «ماتیس» و «دریان»، مثلثی را تشکیل داد که «سالن پاییز» را با رنگهای فو (Fauves) مهیج به آتش کشید.

ملاقات با «حرکت و جریان» نو (اگر بشود آنرا اینگونه نامید، چرا که نه تئوری و نه اساسنامه‌ای خواهد داشت)، بوسیله دو امر مهم آماده می‌شود: تأثیر درس بنیانی سزان روی ماتیس، و نمایشگاه در Vollard در ۱۹۰۲ با کاتولوگی که مقدمه آن بوسیله Roger Mary نوشته شده بود.

سرانجام، کار طولانی هنرمند، حاصل و نتایج خود را در تابستان ۱۹۰۲ پدید آورد: تابلوی «Luxe et calme et volupte» که با تکنیک پوانتیلیست شکل گرفته بود. کمپوزیسیون، در نور درخشنده منطقه Cote d'Azur غوطه‌ور بود. عنوان تابلو، از شعری از بودلر (Baudelaire) الهام گرفته شده بود.

تابستان ۱۹۰۵، ماتیس در Colloure است. دانیل دو منفرد (Daniel de Manfreid)، دوست «گوگن»، باعث می‌شود آن‌ها نقاشیهای «تایی‌تی» (Tahiti) را کشف کنند. این یک کشف تازه است: ماتیس، پوانتیلیسم را رها می‌کند و یک تکنیک



در ۱۹۰۹ سفارش دو قطعه (تابلوی) بزرگ رقص (La Danse) و موزیک (La Musique) را به او می‌دهد. این دو اثر بزرگ، در تکامل سیر هنری ماتیس قابل توجه‌اند و مهم.

در ۱۹۱۰، ماتیس به کشف بزرگ و عمیق دیگری نائل می‌آید: کشف شرق و اسلام، که او را از زمان اولین مسافرتش به آفریقا (مراکش) مجذوب و متحیر نمودند و باعث شدند تا ماتیس از موتیف‌های تزئینی و عناصر دکوراتیو به شکل arabesque الهام بگیرد. از آن پس، سرنوشت (هنری) ماتیس مانند یک جریان آرام ادامه می‌یابد. آرام، اما سخت و بیرحم. او که مانند یک استاد بزرگ شناخته شده بود، به سختی در میان امواج جریان‌های متعددی که با سرعت زیاد عرصه هنر اروپا را درمی‌توردیدند - کوبیسم، دادائیسم، نقاشی آبستره، سوررئالیسم -، به پیش می‌رود. ماتیس، تم‌هایی را برای کارش برمی‌گزیند که مختص خود او هستند: زن،

زندان محتوا رها می‌سازد: از حالا به بعد، نقاشی به چیزی جز فضا و ساختار داخلی در سطح رنگ شده، پاسخ نمی‌دهد.

پس از شوک‌های اول، ماتیس، محرک و نابغه واقعی گروه، تفکر ظریف و تنهایی خود را در استقلال کامل ادامه داد: بدون صرف‌نظر کردن از ملاقات یا رفت و آمد با افراد و مکان‌هایی که برای پژوهش و جستجویش مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

در پائیز ۱۹۰۶، او پیکاسو را در سالن پاریسی Gertrude et Leo Stein ملاقات می‌کند. سال بعد، این هنرمند اسپانیایی (پیکاسو) است که با «دوشیزگان آوینیون» باعث انفجار می‌شود. در «سالن مستقل‌ها»، تابلوی «شادی زیستن» ماتیس، آن روی دیگر «آفتابی» و «روزانه» تابلوی بزرگ شبانه پیکاسو... است. لئو استن آن را بدست می‌آورد. یکی دیگر از طرفداران بزرگ ماتیس، استوکوکین Stchoukine روس،



خادمه‌ها، داخل خانه‌ها، پنجره‌ها،
پیکره‌های برهنه، طراحی و حجم سازی
شده، دکوراسیون، سنوگرافی،
تصویرسازی.

از ۱۹۱۷ به بعد، ماتیس تقریباً به طور
دائم در نیس (Nice) اقامت کرد: جایی که
نوری فراگیر و خاص که برای خلاقیت او
ضروری بود می‌درخشید. ماتیس
سفارشات خاصی را دریافت نمود، مانند
سفارش برای سازمان Barnes در مریون
Merton در ۱۹۳۲. برای این کار، ماتیس اثر
با شکوه رقص (La Danse) را نقاشی کرد.

جنگ جهانی دوم، آزمایش بسیار
سختی برای او بود: در ۱۹۴۴، همسر و
دخترش توسط گشتاپو به تبعید فرستاده
شدند. اما با این همه، او به کار ادامه داد و
حتی یک تکنیک تازه و انقلابی ابداع نمود:
کاغذهای بریده شده، کلاژ کاغذهای رنگی
با فرمها و اندازه‌های مختلف و متنوع که

باعث خلق تابلوهای واقعی می‌شوند. اوج
این تکنیک که بکارگیری قلم‌مورا بطور
کلی منسوخ نمود کتاب JAZZ که بوسیله
Teriade در ۱۹۴۷ منتشر شد، می‌باشد.

در سال ۱۹۴۸، ماتیس راه دیگری پیش
گرفت: دکوراسیون کلیسای دمنیکن ونس
Vence. او برای این کلیسا، همه چیز را
طراحی کرد: از اشیاء تزئینی مورد استفاده
کشیشها تا ویترای سرشار از نور و
رنگهای درخشان.

این تحول که در زندگی هنری ماتیس
آرام به نظر می‌آمد سرشار از انرژی و
سرزندگی بود که با اختصاص جایزه
بزرگ بی‌ینال «ونیز» به او در سال ۱۹۵۰
خود را نشان داد؛ همچنان که در نمایشگاه
بزرگ در موزه هنر مدرن نیویورک در
۱۹۵۱ و در گشایش موزه ماتیس در -
Cateau Cambresis در سال ۱۹۵۲.

در روز ۳ نوامبر ۱۹۵۳، مرگ او را در
نیس (Nice) غافلگیر کرده و به یک زندگی





سرشار از خلاقیت خاتمه داد. آپولیز (Apollinaire) در ۱۹۰۷ اعلام کرده بود که ماتیس هنرمندی است که نزد وی ملایم‌ترین کیفیات «فرانسه» با هم ترکیب شده‌اند: نیروی ساده‌سازی، و ملایمت نرمی نورها.

● سالشمار «هنری ماتیس»

۱۸۶۹ - هنری امیل بنوآ ماتیس (Henri Emile Benoit Matisse) در ۲ دسامبر در Cateau - Cambresis متولد می‌شود.
 ۱۸۹۰ - به دلیل یک بیماری سخت، بستری می‌شود. او برای سرگرمی و گذراندن اوقات، شروع به نقاشی می‌کند.
 ۱۸۹۴ - تولد دخترش مارگریت (Marguerite).
 ۱۸۹۷ - تابلوی «زن در حال مطالعه» او به وسیله دولت فرانسه خریداری شده و در شاتو دو رامبوئه (Chateau de Ram bouillet).
 ۱۸۹۸ - ازدواج با امیلی پارایر (Amelie Parayre).
 ۱۸۹۹ - تولد دومین فرزندش Jean.
 ۱۹۰۰ - تولد سومین و آخرین فرزندش Pierre.
 ۱۹۰۱ - در نمایشگاه «مستقل‌ها» که ریاست آنرا سینیاک به عهده داشت، ماتیس با ولامینک آشنا می‌شود.
 ۱۹۰۴ - اولین نمایشگاه نزد A. Vollard در تابستان، به همراه سینیاک، دست به تجربیاتی در زمینه تکنیک دیویزیونیست می‌زند. تابلوی Calme et Volupte و Luxe را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۰۵ - در نمایشگاه «سالن پائیز»، به همراه ولامینک، وان دونجن، روتش و... تابلوهایش باعث ایجاد هیاهو می‌شود. لوتی و کسل، منتقد، آنها را «فرو» نامید. G. Stein تابلوی «زن با کلاه» او را خریداری می‌کند.

۱۹۰۷ - مسافرت به ایتالیا. در آنجا آثار هنری را کشف می‌کند. او تابلوی «Luxe» و «برهنه آبی» را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۱۱ - مسافرت به مسکو. او تابلوهایی «کارگاه صورتی»، «کارگاه قرمز» و «سایه‌های قرمز» را نقاشی می‌کند. تابلوی «طبیعت بیجان با بادمجان» را شروع می‌کند.
 ۱۹۱۴ - پس از ورود به Collioure، در آنجا «خوان گری» را ملاقات می‌کند. تابلوی پرده زرد را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۱۶ - اولین زمستان در نیس؛ جایی که از ۱۹۲۰ در آنجا ساکن می‌شود. نقاشیهای او هندسی‌تر می‌شوند. او «درس پیمان» را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۱۸ - نمایشگاه در پاریس به همراه پیکاسو، ماتیس، تابلوی «داخل اتاق با ویلون» را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۳۷ - دومین تجربه باله: بعد از دکورها و لباسهای «Chant du rossignol اثر Stravinsky در ۱۹۲۰، او لباسها و دکور باله «سرخ و سیاه» اثر Chostakovitch را طراحی می‌کند. او تابلوهایی «Tete» و «جامه ایرانی» را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۴۴ - او در ونس (Vence) مستقر می‌شود. زن دخترش به تبعید فرستاده می‌شوند.
 ۱۹۴۸ - ابتدای کار دکوراسیون کلیسای ونس. او به کار کردن با کاغذهای بریده ادامه می‌دهد. او تابلوی Grand-Interieur rouge را نقاشی می‌کند.
 ۱۹۵۰ - بیست و پنجمین بی‌ینال ونیز؛ جایی که ماتیس «جایزه بزرگ» که به یک هنرمند خارجی اعطاء می‌شود را دریافت می‌کند.
 ۱۹۵۴ - او در ۲ نوامبر در Nice می‌میرد.